

## سوره «نمل» (۲۷)

سوره نمل که با حروف مقطعه «طس» آغاز می گردد از نظر محتوا و مضمون با دو سوره قبل و بعد (شعراء و قصص) که با حروف مقطعه «طسم» آغاز می شوند و همچنین با سوره طه (۲۰) ارتباط و هماهنگی دارد.<sup>۱</sup> هر چهار سوره با رسالت حضرت موسی (ع) برای نجات بنی اسرائیل از چنگال نظام «فرعون» آغاز می گردد و برای دلگرمی و ثبات قدم حضرت خاتم النبیین (ص)، که مخاطب هر چهار سوره می باشند، حقایق آشکاری از این تجربه عظیم تاریخی و ابعاد و زوایای آن بیان می دارد تا برای آنحضرت استواری و برای مومنین عبرت و بصیرتی باشد. علاوه بر آن، رسالت ها و نبوت هایی که زمینه ساز رسالت جامع حضرت موسی (ع) گردیده (همچون رسالت های نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام) و انبیایی که بدنبال حضرت موسی و در احیاء شریعت او کوشیده اند، (همچون داود و سلیمان) مورد بحث قرار گرفته اند.

دو سوره ۲۶ و ۲۸ (شعراء و قصص) که قبل و بعد از این سوره قرار گرفته اند، با آیه «طسم تلک آیات القرآن و کتاب مبین» آغاز می شوند و در این سوره با مختصری تفاوت، موضوع «قرآن» هم به آن اضافه می شود: «طس تلک آیات القرآن و کتاب مبین». از این تفاوت می توان نتیجه گرفت که در مقایسه با دو سوره شعراء و قصص، در سوره نمل علاوه بر نمایش «آیات» کتاب مبین، که گویا منظور کتاب تکوینی هستی و طبیعت مشهود و تاریخ گذشته باشد، به «آیات قرآن» هم اشاره شده است. این موضوع را تکرار ۴ مرتبه کلمه «قرآن»

۱. حرف «ط» ارتباط ۴ سوره را می رساند و حرف «س» ارتباط ۳ سوره ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ را با سوره «یس». بنابراین این ۵ سوره در ارتباط با رسالت حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (در سوره یس) می باشد که دو تجربه عظیم تاریخی را در مورد قوم بنی اسرائیل برای رسول اکرم بیان می نماید.

در مقاطع مختلف سوره<sup>۱</sup> نشان می دهد که از نظر تعداد پس از سوره اسری از بقیه سوره ها بیشتر است. از این ۴ آیه می توان نتیجه گرفت که قرآن سرچشمه علم و حکمت بوده<sup>۲</sup> علاوه بر هدایت مسلمانان و قوم مخاطب پیامبر، اختلافات بنی اسرائیل را با ارائه حقایق آشکار از سرگذشت انبیاء آنها همچون: موسی، داود، سلیمان (علیهم السلام) که با خرافات و اسراییلیاتی مخلوط شده بیان داشته موجب هدایت و رحمتی برای آنها می گردد<sup>۳</sup>:

(ان هذا القرآن یقص علی بنی اسرائیل اکثر الذی هم فیه یختلفون - وانه لهدی و رحمة

للمومنین).

از طرفی این سوره با دو سوره بقره و لقمان نیز که با حروف مقطعه «الم» آغاز می شوند اشتراکاتی دارد و هر سه سوره، آنطور که ذیلاً نشان داده می شود، سیاق واحدی را نشان می دهند.

نمل: طس - تلك آیات القرآن و کتاب مبین هدی و بشری للمومنین الذین... و یقیمون الصلوة... و بالآخرة هم یوقنون.  
لقمان: الم - تلك آیات الكتاب الحکیم هدی و رحمة للمحسنین الذین... و یقیمون الصلوة... و بالآخرة هم یوقنون.  
بقره: الم - ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین، الذین... و یقیمون الصلوة... و بالآخرة هم یوقنون

در هر سه سوره نقش «هدایت» کننده «کتاب» برای انسانی که به صفات تقوی، ایمان و احسان ستوده شده ذکر گردیده است. این صفات که هر کدام از جهت و زاویه بخصوصی مختصات یک انسان نمونه و «عبد» الله را نشان می دهد، از طریق اقامه صلوة، ایتاء زکوة و یقین به آخرت، که در دنباله آیه توضیح داده شده (الذین یقیمون الصلوة... و هم بالآخرة هم یوقنون)، تحقق یافته است. در سوره بقره روی بعد «تقوی» تاکید شده، در سوره لقمان روی بعد «احسان» و در سوره نمل روی بعد «ایمان». (هدی و بشری للمومنین). در رابطه با ایمان از نظر فردی مسئله «صلوة» و از نظر اجتماعی مسئله «زکوة» (پرداخت حقوق اجتماعی) مطرح می گردد. علاوه بر آن، موضوع «یقین به آخرت» در هر سه سوره مورد تاکید قرار گرفته

۱. علاوه بر آیه آغازین سوره، در آیات: ۶- انک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم آیه ۷۶- ان هذا القرآن یقص علی بنی اسرائیل اکثر الذی هم فیه یختلفون آیه ۹۳- وان اتلو القرآن فمن اهتدی فانما یتهدی لنفسه و... بنقش قرآن اشاره شده است.

۲. اشاره به آیه ۹۳

۳. اشاره به آیه ۷۶

است (وهم بالاخرة هم يوقنون)، با این توجه بهتر می فهمیم که چرا در سوره نمل تا به این حد روی قیامت، آخرت، بعثت، حشر، نفعه صور، وعد و... تاکید شده است.<sup>۱</sup>

موضوع یقین به آخرت یا ناباوری نسبت به آن، آنچنان که در مقدمه سوره بیان شده، علت اصلی و زمینه ساز عمده هدایت یا گمراهی مردم بوده است. بنابراین می توان گفت مسئله آخرت از محورهای اصلی سوره می باشد.

آیات ۲ و ۳ هدی و بشری للمومنین - الذین... و هم بالاخرة هم يوقنون.

« ۴ و ۵ ان الذین لا یؤمنون بالاخرة زینالهم... و هم فی الاخرة هم الاخسرون.

اتفاقاً در بخشی از سوره که مطلب از مباحث تاریخی به زمان نزول قرآن و ایرادهای مشرکین آن دوره برمی گردد، عمده ترین تکیه ها (در آیات ۶۵ تا ۸۷) روی موضوع قیامت و آخرت می رود. که نشان دهنده محور اصلی ایرادات تکذیب کنندگان می باشد.

پس از ۶ آیه مقدمه سوره «نمل» که در آن دو مسیر مختلف در یقین به آخرت یا بی ایمانی به آن (لایومنون بالاخرة) ترسیم شده، به تشریح ۴ داستان می پردازد. ابتدا شرح مختصری از زندگی حضرت موسی (ع) (مرحله اخذ رسالت در کوه طور) می دهد، آنگاه به تفصیل در ۳۰ آیه از حضرت سلیمان (ع) یاد می کند،<sup>۲</sup> پس از آن بطور مختصر از رسالت حضرت صالح برای قوم ثمود و حضرت لوط برای قومش<sup>۳</sup> ذکر می آورد.

به این ترتیب دو مسیر یا دو راه را نشان می دهد، راهی که انبیاء رفتند و راهی که فرعون ها و اقوام منحرف تاریخ پیمودند. راه اول همان راه کسانی است که به آخرت یقین کردند (وهم بالاخرة هم يوقنون) و راه دوم راه کسانی است که آن را باور نکردند (ان الذین لایومنون بالاخرة)... در سوره نمل از پویندگان راه اول بطور مشخص و ممتاز حضرت سلیمان را نشان می دهد و از راه دوم قوم فرعون، ثمود و قوم لوط را. از آنجایی که بخشی از داستان حضرت سلیمان در این سوره به تفصیل بیان شده است کوشش می کنیم محورهای اصلی سوره را از خلال همین داستان که برای تبیین موضوعات کلیدی سوره نقل شده

۱. از جمله در آیات ۳-۴-۵-۶-۶۶-۶۷-۶۸-۷۱-۷۲-۷۸-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۷- (بیش از ۱۵٪ کل سوره)

۲. نکته ای که حائز اهمیت است، در این سوره بخش هایی از داستان حضرت موسی و حضرت سلیمان (علیهما السلام) نقل شده که شگفت آور و عجیب می باشد، مثل ندایی که در کوه طور از آتش برخاست و معجزات نه گانه ای که به موسی داده شد. همچنین داستان حیرت آور حضرت سلیمان. هماهنگی این شگفتیها در کل سوره روح خاصی به آن بخشیده است.

۳. در سوره قبل (شعراء) از قوم نوح و هود و شعیب هم نام برده است که در اینجا ذکر از آنها بمیان نیامده، دلیل اشاره اختصاصی به قوم صالح و لوط در این سوره قابل بررسی و مطالعه می باشد.

استخراج نمائیم.

تسلیم - موضوع تسلیم شدن به رب العالمین (بجای علو و استکبار) از مهم ترین مسائل مطرح شده در سوره می باشد و مشتقات این کلمه (مسلمین، اسلمت، مسلمون، سلام) ۷ بار در آیات آن به کار رفته است. نام پیامبری که در این سوره سمبل «تسلیم» معرفی شده «سلیمان» می باشد که از ریشه «سلم» مشتق گردیده است!<sup>۱</sup>

در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا چهار بار این کلمه بکار رفته که سه بار آن به معنای مصطلح تسلیم شدن در برابر حریف است<sup>۲</sup> و آخرین آن به معنای تسلیم شدن در برابر خدا (قالت رب انی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین) که مرحله کمال و رشد عقلی ملکه سبا را نشان می دهد.

در آیه ۵۹ (قل الحمد لله و سلام علی عبادہ الذین اصطفی...) که به رسول اکرم (ص) فرمان می دهد به بندگان تصفیه شده خدا «سلام» کن، در مفهوم «سلام» بگفته علامه طباطبایی<sup>۳</sup> این معنا خوابیده که: «نفس خود را از هر چه با این تسلیم ضدیت دارد و مانع آن می شود خالی کن، چرا؟ برای این که نزد آن بندگان غیر از هدایت الهی و آثار جمیل آن چیزی نیست. تا نفس آن را بهانه قرار داده از سلام بر آنان دریغ بورزد - چون معنای سلام خود مقتضی تسلیم شدن است. پس در حقیقت امر بسلام امر ضمنی نیز هست، به این که نفس خود را آماده قبول آن هدایت که نزد ایشانست و نیز آثار حسنه آن بکن.»

در آیه ۸۱ (و ما انت بهادی العمی عن ضلالتهم ان تسمع الا من یومن بایاتنا فهم مسلمون) که آخرین سخن مربوط به «تسلیم» است، موضع رسول الله را در برابر مردم و سخن قاطع او را در برابر تکذیب کنندگان معین می نماید، عبادت انحصاری پروردگار کعبه و تسلیم کامل به او.

### شکر

از دیگر ویژگی های ممتاز حضرت سلیمان که در این سوره نشان داده شده، «شکر» این بنده خالص می باشد. داود پدر سلیمان که چوپانی جوان و روشن ضمیر بود، آنچنان که در سوره بقره نشان داده شده (آیه ۲۵۱) -... و قتل داود جالوت و اتیه الله الملك والحکمه و علمه

۱. نام سلیمان هفت بار در این سوره تکرار شده که بیش از بقیه سوره ها می باشد (۱۷ بار در کل قرآن) همچنین کلمه «مسلمین» با ۴ بار تکرار بالاتر از بقیه سوره ها می باشد.

۲. در آیات ۳۱ (الا تعلوا علی واتونی مسلمین) - ۳۸ (قبل ان یاتونی مسلمین) - ۴۲ (واتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین)

۳. جلد ۳۰ تفسیر المیزان صفحه ۳۱۴

مما يشاء... ولكن الله ذو فضل على العالمين) به دلیل ایمان و صبر و توکلی که در برخورد با سپاه جالوت نشان داد، خداوند ملک و حکمت و علم به او تفضل نموده و در زبوری که برای هدایت مردم به او عنایت فرمود، برای نخستین بار در تاریخ بنی اسرائیل مصداق روشنی از پیروزی مستضعفین و وراثت صالحان را رقم می‌زند (برای عبرت ترسوین بنی اسرائیل).

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون<sup>۱</sup> (انبیاء ۱۰۵)  
بعد از تورات (ذکر)، وعده وراثت صالحان در زبور بطور مشخص اعلام گردید و اینک سلیمان فرزند داود با خصوصیتی که از پدر به ارث برده (و ورث سلیمان داود و قال ایها الناس علمنا منطق الطير و اوتينا من كل شئ ان هذا لهو الفضل المبين) وراثت وعده داده شده در زبور را تحقق می‌بخشد. با توجه به موضوع آخرت و قیامت که از محورهای اصلی سوره می‌باشد، گویا فضیلت‌های شگفت‌آوری که به داود و سلیمان عنایت شده بود، از جمله آنها را بر نیروهایی از طبیعت همچون باد و طوائفی از جن و انس مسلط ساخته، منطق حشرات و پرندگان آموخته و از هر چیز وسیله‌ای فراهم ساخته (اوتینا من کل شی)، به این دلیل باشد که به عنوان نمونه و مثال عینی، در حیات دنیا نشان دهد چگونه متقین در قیامت وارث زمین خواهند شد و به نیروی اراده‌ای که از تقوای آنها ناشی شده<sup>۲</sup> بر طبیعت مسلط گشته سجود ملائک را تحقق می‌بخشد.

در این سوره ۴ بار بر فضیلت‌هایی که بر داود و سلیمان تعلق گرفته اشاره می‌کند:

آیه ۱۵ (...قالا الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المومنين)

آیه ۱۶ (...علمنا منطق الطير و اوتينا من كل شئ ان هذا لهو الفضل المبين)

آیه ۴۰ (...قال هذا من فضل ربي ليبلوني...)<sup>۳</sup>

آیه ۷۳ (وان ربك لذو فضل على الناس ولكن اكثرهم لايشكرون)

اما سلیمان به جای آن که همانند سایر ملوک و قدرتمندان، از این امکانات دچار غرور و

۱. علاوه بر آیه فوق، در دو آیه دیگر بر زبور داود در قرآن اشاره شده است: اسراء ۵۵ (ولقد فضلنا بعض النبيين على بعض و اتينا داود زبوراً) و سوره نساء آیه ۱۶۳ (انا اوحينا اليك كما اوحينا الى نوح والنبيين من بعده و اوحينا الى... و اتينا داود زبوراً).

۲. به آیات ذیل برای فهم بیشتر مطلب توجه نمایید: قصص ۸۳ (تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فساداً والعاقبة للمتقين)

اعراف ۱۲۸ (ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين) - هود ۴۹ (فاصبر ان العاقبة للمتقين) - طه ۱۳۲ (العاقبة للتقوى)

۳. فضل مورد نظر در این آیه در اختیار داشتن نیروهایی همچون عفریت جنی و مردی است که علمی از کتاب دارد و در یک چشم بهم زدن (با اراده‌آنی) می‌تواند تخت سلیمان را منتقل می‌کند.

استکبار و ناسپاسی به درگاه منعم گردد، راه «شکر» و استفاده صحیح از این نعمت ها در جهت مشیت منعم را می پیماید و هر گاه بیاد این فضیلت ها می افتد خدا را شکر می کند و عملاً در راه او گام بر می دارد:

آیه ۱۹ - فتبسم ضاحکاً من قولها و قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک الّتی انعمت علی و علی والدی وان اعمل صالحاً ترضیه و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین.<sup>۱</sup>

آیه ۴۰ - ... قال هذا من فضل ربی لیبلونی ءاشکر ام اکفرو من شکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان ربی غنی کریم.

آیه ۷۳ - وان ربک لدو فضل علی الناس ولكن اکثرهم لا یشکرون.

علم - از کلمات کلیدی مهم سوره نمل یکی هم علم می باشد که مشتقات آن در این سوره ۱۲ مرتبه بکار رفته است. از آنجایی که مسئله وراثت زمین، بخصوص در داستان سلیمان، مطرح می باشد، نقش علم به عنوان عامل اصلی مطرح می گردد. همانطور که در داستان آفرینش انسان ذکر گردید، علم وسیله ای است که انسان را بر فرشتگان مسلط می سازد (و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضها علی الملائکة...) و او را مسجود آنها می گرداند. ذیلاً آیاتی که کلمه علم در آنها بکار رفته ذکر می گردد. توجه به ترتیب و تقدم و تأخر آیات نکات جالبی را روشن می نماید.

آیه ۶ - انک لتلقى القرآن من لدن حکیم علیم

» ۱۵ - ولقد اتینا داود و سلیمان علماً...

» ۲۵ - الا یسجدوالله الذی... و یعلم ما تخفون و ما تعلنون.

» ۴۰ - قال الذی عنده علم من الکتاب.

» ۵۲ - فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا ان فی ذلک لایة لقوم یعلمون

» ۶۱ - وجعل بین البحرین حاجزاً ءاله مع الله بل اکثرهم لا یعلمون

» ۶۵ - قل لا یعلم من فی السموات والارض الغیب الا الله وما یشعرون...

» ۶۶ - بل ادراک علمهم فی الآخرة بل هم فی شک...

» ۷۴ - ان ربک یقضی بحکمہ وهو العزیز العلیم.

» ۸۴ - ... قال اکذبتم بایاتی ولم تحیطوا بها علما اما ذا کنتم تعملون.

در آیات فوق ۵ بار صفت علیم بخدا نسبت داده شده (آیات ۶ - ۲۵ - ۶۵ - ۷۴ - ۷۸) یک بار به داود و سلیمان، یکبار به ملکه سبا، یک بار به مردی که در خدمت سلیمان بوده، ۴ بار در عدم بکارگیری علم و محدودیت آن (آیات ۵۲ و ۶۱ و ۶۶). آخرین آیه اشاره و عنایتی به آیه ۲۲، که احاطه علمی و یقینی هدهد را نقل می کند، دارد. (فقال احطت بمالم تحط و جئتک من سبا بنبأ یقین). شگفتا هدهدی به یقین می رسد ولی انسان آیات خدا را تکذیب می کند و احاطه علمی به آن نمی یابد.

عبادت (تعبد انحصاری به الله، هموار کردن نفس برای فرامین الهی و تسلیم به او). از کلمات کلیدی دیگر این سوره و خصوصیات ممتازی که برای حضرت سلیمان شمرده، «عبادت» می باشد که در ۵ مقطع مختلف بر آن تاکید گردیده است. منظور از تعبد نسبت به خدا، کناره گیری از سرسپردگی و اطاعت از جباران روزگار است. بنابراین غرض از این کار تنها انجام یک سلسله اعمال و فرائض شرعی نمی باشد، هدف، همان هموار کردن نفس برای تسلیم به پروردگار است که در زندگی عملی و در برخورد انسان با مسائل زندگی مطرح می گردد، عبادت موقعی ناخالصی پیدا می کند که پای رعایت قدرتمندان و تسلیم شدن به طاغوت پیش کشیده شود. هدف اصلی رسولان نیز سوق دادن مردم از عبادت طاغوتها به عبادت الله بوده است.

آیه ۴۵ - لقد ارسلنا الی ثمود اخاهم صالحاً ان اعبدوا الله مالکم من اله غیره.

آیه ۹۱ - انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة... و امرت ان اکون من المسلمین.

در این سوره حمد و ستایش و شکر داود و سلیمان را بخاطر فضیلتی که خداوند آنها را بر عباد مؤمنش بخشیده نقل می کند (قالا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المومنین) و دعای شاکرانه سلمان را برای انجام عمل صالح خدا پسند و دخول در عباد صالح توصیف می نماید (وقال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی والدی وان اعمل صالحاً ترضیه وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین). بنابراین در جرگه عباد خدا قرار گرفتن افتخار و توفیقی است که انبیاء با صاف و خالص کردن نفس خویش به آن نائل شدند و خداوند نیز به همین صفت آنها را ستوده است.

در آخرین آیه مربوط به داستان رسولان (آیه ۵۹) مطلب بدینگونه جمع بندی و

نتیجه گیری می شود:

قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی

**عمل صالح** - در این سوره موضوع اصلاح (در برابر افساد) بخصوص در رابطه با حضرت سلیمان مورد تاکید قرار گرفته است. پس از دعای شکرگزاری بخاطر نعمات و فضیلت هایی که خداوند به این پیامبر بزرگ ارزانی داشته، اولین خواسته اش توفیق در عمل صالحی است که مورد رضایت خدا بوده و به این وسیله او را در جرگه بندگان صالح داخل سازد (و قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک الّتی انعمت علی و علی والدی و ان اعمل صالحاً ترضیه و ادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین).

حضرت «صالح» نیز بسوی قومی فرستاده می شود که بجای «اصلاح» افساد می کردند (وکان فی المدینه تسعة رهط یفسدون فی الارض ولا یصلحون) همچنین در مورد قوم فرعون مطلب را با اشاره به فساد آنها تمام می کند (وجحدوا بها واستیقنتها انفسهم ظلماً و علواً فانظر کیف کان عاقبة المفسدین) فسادی که کار همه فرعونها و ملوک عالم است (قالت ان الملوک اذا دخلوا قرية افسدوها...)

### خصوصیات منفی

علاوه بر خصلت های فوق که تماماً از جهت مثبت عنوان گردید (و به پیامبران تعلق داشت)، در این سوره کلمات کلیدی دیگری نیز وجود دارد که ویژگی های تکذیب کنندگان پیامبران را نشان می دهد. برخی از این کلمات را ذیلاً توضیح مختصر می دهیم:

شرک بدر برابر توحید و تسلیم و تعبدی که از حضرت سلیمان در این سوره نشان داده شده است، برای عبرت قوم مخاطب خاتم النبیین چندین بار «اله پرستی» آنها را مورد مذمت قرار داده است. جمعاً ۶ بار در این سوره کلمه «اله» بکار رفته که همچون سوره بعد (قصص) از بقیه سوره های قرآن بیشتر است.

ذیلاً آیات مربوط به این مسئله را متذکر می شویم. همانطور که ملاحظه می شود ۵ مورد آن پشت سر هم قرار گرفته و با اشاره به نعمتی از نعمات خداوندی، دلائل شرک ناباوران را با این سوال که: «اله مع الله» نشان می دهد.

آیه ۲۶ - الله لا اله الا هو رب العرش العظيم.

« ۶۰ - امن خلق السموات والارض و انزل لکم من السماء ماء... اله مع الله بل هم قوم يعدلون.

« ۶۱ - امن جعل الارض قراراً و جعل خلالها انهاراً و جعل لها رواسی و



- جعل بین البحرین حاجزاً ءاله مع الله بل اکثرهم لایعلمون.
- ۶۲- امن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء ویجعلکم خلفاء الارض ءاله مع الله قلیلاً ما تذکرون.
- ۶۳- امن یرزقکم فی ظلمات البر والبحر و من یرسل الریاح بشراً بین یدی رحمته ءاله مع الله تعالی الله عما یشرکون.
- ۶۴- امن یبدوا الخلق ثم یعبده و من یرزقکم من السماء والارض ءاله مع الله قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین.

پنج آیه فوق، پنج دسته از آیات و نعمت های خداوندی را توضیح می دهد که مکذبین هر کدام را بدلائلی ندیده می گیرند، خلقت آسمانها و زمین و نزول باران را با این که بخدا نسبت می دهند اما از پرستش انحصاری او عدول می کنند، نسبت به مراحل چهارگانه جعل زمین (استقرار، جریان یافتن نهرها در دره ها، پیدایش کوهها و عدم اختلاط آبهای شور و شیرین) علم و اطلاعی ندارند، اجابت دائمی دعای مضطران و سنت جانشینی صالحان در زمین را با این که تجربه کرده اند، فراموش می کنند و از نسل ها و امت های قبل عبرت نمی گیرند، هدایت در ظلمات خشکی و دریا و ارسال بادهای را به جای خدا به تدبیر فرشتگان نسبت می دهند و بالاخره با این که طبق اعتقادات خود قبول دارند خدا خلقت را آغاز کرده و همو روزی رسان است، اعاده خلق (بعثت) را قبول ندارند و نمی توانند دلیلی بر مدعای خود ارائه دهند.

### ظلم

- نتیجه شرک و انکار توحید، ظلم به نفس خود و بدیگران است به همین دلیل هم خداوند شرک را نمی بخشد. وگرنه او بی نیاز از عبادت بندگان و توحید و اخلاص آنان می باشد. ذیلاً مواردی که کلمه ظلم در سوره نمل آمده است ذکر می گردد:
- آیه ۱۱- الا من ظلم ثم بدل حسناً بعد سوء فانی غفور رحیم
- ۱۴- و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً فانظر کیف کان عاقبه المفسدین
- ۴۴- قالت رب انی ظلمت نفسی واسلمت مع سلیمان الله رب العالمین
- ۵۲- فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا ان فی ذلک لآیات لقوم یعلمون
- ۸۵- و وقع القول علیهم بما ظلموا فهم لاینطقون.
- سه آیه اول به ظلم به خود یا دیگران اشاره دارد و دو آیه بعد (۵۲ و ۸۲) نتیجه و عاقبت ظلم را که همان وقوع عذاب می باشد نشان می دهد.

## تکذیب آیات

تکذیب به آیات الهی بر حسب صریح قرآن سرانجام و عاقبت کسانی است که ظلم می کنند و مرتکب زشتی ها می شوند.<sup>۱</sup> در این سوره نیز نشان داده می شود که چگونه ظالمین همه نشانه های الهی را تکذیب می نمایند.

آیه ۱۳- فلما جاءتهم اياتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبين (در مورد فرعون و قوم ظالم او)

۸۱-...ان تسمع الا من يؤمن باياتنا فهم مسلمون.

۸۳- ويوم نحشر من كل امة فوجا ممن يكذب باياتنا فهم يوزعون.

۸۲-...ان الناس كانوا باياتنا لا يوقنون.

۸۴- حتى اذا جاء قال اكذبتم باياتي ولم تحيطوا بها علما...

۹۳- و قل الحمد لله سيريكم اياته فتعرفونها و ما ربك بغافل عما تعملون.

در آیه ردیف اول (۱۳) لجبازی و انکار ناشی از ظلم و سرکشی فرعون و قوم او را نشان می دهد که معجزات آشکار حضرت موسی را سحر آشکار می نامیدند. آیه ۸۱ تاکید می کند شرط ایمان به آیات خدا حالت تسلیم (نه عناد و لجبازی) است. در آیه ۸۲ به عدم یقین آوری مردم به آیات خدا اشاره می کند و در آیه ۸۳ و ۸۴ وضع تکذیب کنندگان را در قیامت نشان می دهد و بالاخره در آخرین آیه (۹۳) پس از حمد خدا از شناختی خبر می دهد که بزودی با ارائه آیات الهی تحقق خواهد یافت.

## اسماء الحسنی

در سوره نمل ۲۷ بار نام جلالت «الله»، ۱۲ بار رب (مضاف) - ۲ بار حکیم و علیم و عزیز و رحیم و ۱ بار غفور و رحمن و غنی و کریم آمده است که جمعاً ۱۰ نام ۵۱ بار تکرار شده اند، این سوره بیست و هفتمین سوره قرآن است و شامل ۲۷ کلمه «الله» نیز می باشد و بین این سوره که ۲ بار بسم الله الرحمن الرحیم دارد با سوره توبه که اصلاً ندارد درست ۱۹ سوره فاصله می باشد.

## آهنگ انتهای سوره

از ۹۳ آیه سوره نمل ۸۴ آیه آن با حرف «ن» و ۹ آیه بشرح ذیل با حرف «م» ختم

۱. از جمله سوره روم آیه ۱۰ - ثم كان عاقبة الذين اساءوا السواى ان كذبوا بايات الله و كانوا بها يستهزون

می شوند.

آیه (۷۸ و ۷۹) علیم - (۹) حکیم - (۱۱) رحیم - (۲۳ و ۲۴) عظیم - ۲۹ (کریم) - ۳۰ (رحیم) - ۴۰ (کریم).

### ابتدا و انتهای سوره

همانطور که قبلاً نیز گفته شده، آیات اول و آخر هر سوره معمولاً به عنوان خلاصه و نتیجه گیری آن، ارتباط و هماهنگی نزدیکی با یکدیگر دارند.

در آیه اول و دوم (طس تلك آیات القرآن و کتاب مبین، هدی و بشری للمومنین) از قرآن و آیات و هدایت و ایمان نام می برد و در دو آیه آخر نیز به همین معنا رجعت کرده نتیجه گیری و جمع بندی می نماید:

آیه ۹۲ - وان اتلو القرآن فمن اهتدى فانما يهتدى لنفسه و من ضل فقل انما انا من المنذرين.

«۹۳- و قل الحمد لله سیر یکم آیاته فتعرفونها و ما ریک بغافل عما تعملون.

### سال نزول

این سوره مطابق جدول شماره ۱۵ «کتاب سیر تحول قرآن» بطور یکپارچه در سال هشتم بعثت در مکه نازل شده است.

### تقسیمات سوره

۶ آیه اول سوره را می توان مقدمه آن شمرد، پس از آن، ۸ آیه به حضرت موسی و رسالت او بسوی فرعون و قومش تعلق دارد، بدنبال آن داستان حضرت سلیمان بتفصیل در ۳۰ آیه نقل می شود و سپس ۹ آیه بقوم ثمود و ۵ آیه بقوم لوط اختصاص پیدا می کند. داستانهای ذکر شده از انبیاء برای استشهاد مطالب ۶ آیه مقدمه سوره آورده شده و در آنها مصادیق تبشیر و انذار الهی نشان داده شده است. پس از ذکر شواهد تاریخی در دو ثلث ابتدای سوره، در ثلث آخر به مسئله بعثت و برخی امور مربوط به آن می پردازد و به حوادث قبل و بعد آن اجمالاً اشاره می کند.